

نقش عوامل کالبدی در اجتماع پذیری سکونتگاه‌های غیر رسمی (نمونه موردی: محله‌های حصار امام خمینی و دیزج همدان)

سعید علی‌تاجر، استادیار گروه معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران*
حسن سجاده‌زاده، استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
پوریا سعادت‌ی‌وقار، دانشجوی دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
مهرداد شهبازی، کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بروجرد، ایران

چکیده

امروزه در سکونتگاه‌های غیر رسمی شاهد هستیم که سردرگمی اجتماعی و کم بودن تعاملات اجتماعی از ویژگی‌های عمده شخصیتی ساکنان آن‌ها است. در پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه سکونتگاه‌های غیر رسمی دیده شده ولی به عوامل کالبدی رونق دهنده تعاملات اجتماعی در این محله‌ها توجه چندانی نشده است. از این رو پاسخ به این پرسش که ساماندهی کالبد فضاهای عمومی چه تاثیری در حضورپذیری افراد و ارتقای تعاملات اجتماعی دارد ضروری است، تا بتوان از این طریق مانع از نقل مکان آنان به محله‌های دیگر شهر برای گذران اوقات فراغت شد. این نوشتار با مقایسه دو سکونتگاه غیر رسمی شهر همدان یعنی محله حصار امام خمینی و دیزج به کنکاش در مورد پاسخ این سوال می‌پردازد؛ چنین به نظر می‌رسد که روحیه اجتماع پذیری در بین ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی با عوامل کالبدی شکل دهنده آن محیط رابطه معنی داری دارد. روش مطالعه روش توصیفی-تحلیلی و ابزار پژوهش مطالعات میدانی و نرم افزار spss بوده است، داده‌های گردآوری شده در نرم افزار spss تحلیل و با آزمون تی دو نمونه ای مستقل و رگرسیون خطی ساده سنجیده شده است. در ادامه رابطه بین هریک از مفاهیم و متغیرهای کالبدی موثر بر اجتماع پذیری فضا با یکدیگر مورد بررسی قرار گرفته است که خود بیانگر بستری مطلوب جهت بهبود مولفه‌های کالبدی تسهیل گر اجتماع پذیری است. نتایج نشان می‌دهد که محله حصار از وضعیت کالبدی مطلوب تری نسبت به محله دیزج برخوردار است که به نظر می‌رسد این عامل یکی از دلایل اجتماع پذیرتر بودن این محله نسبت به محله دیزج است؛ و فاکتورهای کالبدی شامل: وجود عناصر مکث و توقف، تابلوهای آگاهی دهنده هنری، معماری و تبلیغاتی در بین سایر عوامل کالبدی بیشترین نقش را در اجتماع پذیری فضا از نظر ادراکات ذهنی مردم دارند.

واژه‌های کلیدی: اجتماع پذیری؛ سکونتگاه‌های غیر رسمی؛ عوامل کالبدی؛ حصار؛ دیزج

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسأله

پیش‌بینی‌های سازمان ملل حاکی از این هستند که تا سال ۲۰۳۰ بیش از ۶۰ درصد جمعیت ساکن شهرها خواهند بود (United Nation, 2004)، از این‌رو استنتاج می‌شود که شهری شدن فقر از بزرگترین چالش‌های توسعه جهانی است که در صورت تداوم روند نامطلوب کنونی، تعداد ساکنین نواحی فرودست شهری طی سه دهه آتی به دو میلیارد نفر افزایش خواهد یافت. مرکز اسکان بشر ملل متحد در گزارش سال ۲۰۰۳ خود با عنوان "چالش سکونتگاه‌های غیررسمی" این محلات را نمود کالبدی و فضایی فقر و نابرابری تمرکز یافته در شهرها عنوان می‌کند که کیفیت زندگی در آنها بسیار پایین‌تر از کیفیت زندگی استاندارد شهری است (UN-Habitat, 2003).

علاوه بر وجود مسکن با کیفیت پایین و فقدان زیرساخت‌های کالبدی مناسب و اجتماع پذیری کم فضاها (که نتیجه آن ایجاد محیط‌های بی روح و بدون تعامل و ساکنانی که سرگردانی اجتماعی و اقتصادی، عدم مشارکت، احساس تبعیض، پایین بودن تعلق شهروندی، کامروایی معوق و غیره ویژگی‌های عمده شخصیتی آن‌ها است) (نقدی، ۱۳۸۶: ۱۱)، این سکونتگاه‌ها با تجمعی از اقشار کم درآمد و غالباً با مشاغل غیررسمی، زمینه ساز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌روند (مشکینی، ۱۳۹۲). از سوی دیگر انسان موجودی است اجتماعی، که ارتباط با دیگران و اجتماعی زندگی کردن از خصلت‌های جدایی ناپذیر آن است؛ محیط عمومی در پاسخگویی به این جنبه زندگی ظرفیتی عظیم دارد. فرآیند اجتماع

پذیری با برقراری تعامل و ارتباط اجتماعی بین بهره‌برداران هر محیط عمومی و مشترک معماری قابل حصول است و موجب می‌شود فضاها علاوه بر عملکرد گرایبی، بستری برای وقوع تعاملات اجتماعی باشند (صالحی نیا و معماریان، ۱۳۸۸). مفهوم اجتماع پذیری در بافت‌هایی که روابط بین افرادش غیر کارکردی تر یا به تعبیری آن‌تروپوفیلیک (انسانی) است شایع‌تر است، با این وجود نمی‌توان از بررسی این مفهوم در بافت‌های کارکردی چشم‌پوشی کرد از جمله این بافت‌های کارکردی سکونتگاه‌های غیررسمی است که با تجمعی از اقشار کم درآمد که درگیری با مشکلات معیشتی فرصت حضور در اجتماع شهری و برقراری رابطه با دیگران را تا میزان زیادی از آن‌ها گرفته است شکل می‌گیرند، بنابراین موضوع این است آیا طرح کالبدی خاص معماری می‌تواند به تسهیل روابط اجتماعی افراد و کاهش معضلات اجتماعی در این سکونتگاه‌های غیررسمی منجر شود؟

۱-۲- اهمیت و ضرورت

اسکان غیررسمی به واقع یکی از بارزترین چهره‌های فقر شهری در بیشتر شهرهای مهاجرپذیر کشور ما می‌باشد و از آنجایی که ارتقای اجتماع پذیری در سکونتگاه‌های غیررسمی که جزئی از بدنه شهر هستند یکی از اهداف اساسی جهت افزایش رفاه عمومی و آرامش شهروندان است و نتایج توجه به این موضوع می‌تواند سبب تحولات اساسی در شهرها شود، از این رو به نظر می‌رسد طراحی فضاهای عمومی مناسب و ارتقای شرایط کالبدی این

1. Anthropophilic

ساختمان، با تجمعی از اقشار کم درآمد و سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی شکل می‌گیرد و با عناوینی همچون سکونتگاه‌های غیررسمی، سکونتگاه‌های نیمه دائم، خودرو، نابهنجار، آلونکی، حاشیه نشین نامیده می‌شود (هادیزاده، ۱۳۸۲:۱۹). محیط زندگی این محله‌ها پذیرای نابهنجاری‌ها و برانگیزاننده آسیب‌های اجتماعی است که گاه در استدلالی وارونه، علت پیدایش این سکونتگاه‌ها قلمداد می‌شوند (پورموسوی، معصومی، ۱۳۸۹). آمارها نشان می‌دهد که در صورت عدم اقدام به موقع، تا سال ۲۰۱۰ از هر ۶ نفر شهرنشین یک نفر ساکن نواحی فرودست شهری خواهد بود (UN-Habitat, 2003).

نتایج چند پژوهش صورت گرفته در مناطق مختلف نشان می‌دهد بالا بودن مهاجرت، استاندارد نبودن خدمات اولیه شهری، بالا بودن بعد خانوار، پایین بودن سطح سواد، بی‌ثباتی در تحصیل و پایین بودن خدمات بهداشتی-درمانی، بی‌مسکنی و بدمسکنی، معضل دفع زباله، عدم دسترسی به آب بهداشتی و سالم، گسترش آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی، احساس عدم تعلق و بیگانگی با شهر، زیرساخت‌های فاقد امکانات لازم، عدم مالکیت زمین و مسکن و بی‌اطلاعی از تصمیمات مسئولان درباره نحوه رفتار با این مناطق و ساکنان آنها از مهمترین چالش‌های مناطق حاشیه نشین هستند.

بافت‌ها می‌تواند زمینه‌ای برای ارتقای تعاملات اجتماعی و کاهش معضلات در این محلات شود.

۳-۱- اهداف

- بررسی اجتماع پذیری در سکونتگاه‌های غیر رسمی با استفاده از الزامات کالبدی تاثیر گذار.
- معرفی بستر مطلوب جهت بهبود مولفه‌های کالبدی تسهیل گر اجتماع پذیری از طریق بررسی تاثیر هر یک از این مفاهیم کالبدی بر یکدیگر.
- کمک به تدوین راهبردها و راهکارهای عملی جهت ارتقاء اجتماع پذیری ساکنین اسکان‌های غیررسمی با استفاده از عوامل کالبدی.

۴-۱- پیشینه پژوهش

اصطلاح سکونتگاه غیر قانونی و عدوانی مسلمان در سال‌های پیشین توسط غرب ابداع، بسط و گسترش یافته است؛ و به خصوص بعد از کنفرانس مسکن ۱۹۷۶ در ونکوور کانادا معمول شد (Srinivasan, 2004:1). واژه اسکان غیررسمی در حقیقت اصطلاحی منسوب به غرب است که سابقه آن به نوشته‌های متفکرینی چون رابرت پارک، اورت استون، جان ترنر و چارلز آبرامز برمی‌گردد (پیران، ۱۳۸۱: ۵-۱۲). اسکان غیر رسمی از آثار و پیامدهای نامطلوب شهرنشینی شتابان (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲:۳۹۸) و یکی از چهره‌های بارز فقر شهری است که در درون یا مجاور شهرها (به ویژه شهرهای بزرگ) به شکلی خودرو، فاقد مجوز

جدول ۱- دیدگاه‌های مختلف، نگرش، دوره‌های زمانی و نحوه برخورد با اسکان غیررسمی

دیدگاه	نگرش	دوره	نحوه برخورد
لیبرالیسم	مسئله ای گذرا	تا دهه ۱۹۶۰	نادیده گرفتن
محافظه کار	غده ای چرکین	۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰	تخلیه و تخریب
رادیکال	ریشه در نظام نابرابری سرمایه داری	۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰	خودیاری
نئولیبرالیسم	رویکرد قانونی و بوروکراتیک	۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰	مسکن عمومی

اسکار لوئیس	فرهنگ فقر	۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰	بهسازی
چارلز آبرام	تغییر در نگرش نهادهای بین‌المللی	۱۹۹۰ تا کنون	توانمندسازی
استاکس	تغییر در نگرش نهادهای بین‌المللی		

درباره ماهیت، علل و عوامل گسترش و نیز پیامدها و راهکارها مورد توجه بوده است که در این میان به مطالعات زیر می‌توان اشاره کرد: مجید احسن و مصطفی نیرومند (۱۳۵۱)، پژوهش موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران (۱۳۵۱)، محمد حسین کازرونی (۱۳۵۱)، حسین شکویی (۱۳۵۴)، کریم حسین زاده دلیر (۱۳۶۱)، پرویز پیران (۱۳۶۷)، حمیده امکچی (۱۳۷۳) و غیره (به نقل از پیری، ۱۳۹۱). جدول شماره ۲ تعدادی از پژوهش‌های انجام شده متاخر و زمینه پژوهش را نشان می‌دهد (جدول ۲)

(نقدی، ۱۳۸۲؛ اسدالهی و ناطق پور، ۱۳۸۵؛ لوئیز و همکاران، ۲۰۰۳؛ یانگ، ۲۰۰۰؛ اسماعیلی و امید، ۱۳۹۱ به نقل از قادرمرزی و دیگران، ۱۳۹۳) جدول شماره ۱ نشانگر دیدگاه‌های مختلف و نحوه برخورد با اسکان‌های غیر رسمی است (جدول ۱). این سکونتگاه‌ها در ایران پس از جنگ جهانی دوم شروع به ظهور یافت (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲) و تاکنون همچنان به رشد خود ادامه داده است. به موازات رشد و گسترش اسکان غیر رسمی در ایران به خصوص از دهه ۱۳۴۰ پژوهش‌ها و مطالعات نظری

جدول ۲- پیشینه پژوهش در زمینه سکونتگاه‌های غیر رسمی

صاحب‌نظر	موضوع پژوهش	زمینه پژوهش و دیدگاه
کمانرودی (۱۳۷۶)	اسکان غیر رسمی در تهران- ساماندهی منطقه ۶ شهرداری	شناسایی مشکلات، محدودیت‌ها و قابلیت‌های موجود، شناسایی گزینه‌های مناسب ساماندهی و سپس ارزیابی بر مبنای معیار مورد نظر. هدف از تحقیق دستیابی به فضای شهری در خور و راه حل مناسب جهت اصلاح و رسمیت بخشیدن به وجوه کالبدی و حقوقی اجتماعات اسکان غیر رسمی.
هادیزاده بزاز (۱۳۸۲)	اسکان غیر رسمی و بهسازی محله‌های فقیر نشین شهری	ویژگی اساسی سکونتگاه‌های غیر رسمی، یعنی ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و قانونی را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده که موفق‌ترین روش برای بهبود شرایط زندگی در زاغه‌ها و محلات فقیر نشین، بهسازی محلات و ایجاد زیرساخت‌های مناسب زیست محیطی مانند شبکه بندی آب و سیستم تخلیه فاضلاب و نظایر اینهاست.
شاه حسینی (۱۳۸۴)	پژوهش سکونتگاه خودرو و امنیت اجتماعی در شهر پاکدشت	سطح معیشت مردم و کاهش کنترل دولت بر رفتار ساکنان را دو عامل عمده در شکل‌گیری سکونتگاه خودروی پاکدشت بر شمرده است.
ایراندوست و صرافی (۱۳۸۶)	تحقیق یاس و امید در سکونتگاه‌های غیررسمی - نمونه موردی شهر کرمانشاه	تفاوت‌های بنیادی میان سکونتگاه‌های غیررسمی "در حال ترقی" و "در حال زوال" مشاهده می‌شود که ناشی از روند تکوین و تکامل آنها در شرایط اجتماعی-اقتصادی، کالبدی، محیطی و نیز رویکرد مدیریتی حاکم بر آنهاست.
سرور و جعفری (۱۳۸۸)	ابعاد اسکان غیررسمی در تهران	اجرایی ساختن سند ساماندهی مهاجرت از تهران، سند توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی، مدیریت یکپارچه و واحد مجموعه شهری، رویکرد به عدالت در فضا و سیاست باز توزیع ثروت به موازات رشد اقتصادی را از جمله راهبردهای موثر در برون رفت از وضعیت و حل این مساله دانسته‌اند.

ولی پس از کودتای ۲۸ مرداد به ویژه از ۱۳۵۵ به بعد این اجتماعات با سرعت رشد یافتند (زاهد زاهدانی: ۱۳۶۹). در یک دسته‌بندی کلی انواع اسکان‌های غیررسمی در شهرهای ایران به قرار (جدول ۳) هستند:

به عبارت دیگر در ایران حاشیه نشینی پس از استقرار سرمایه داری وابسته بوجود آمد و رشد آن از ۱۳۲۰ شدت یافت و در دهه ی چهل به حدی رسید که حکومت را بر آن داشت تا برای رفع آن چاره اندیشی کند سابقه پیدایش آلونک نشینی به ۱۳۱۱ بر می‌گردد

جدول ۳- انواع اسکان‌های غیررسمی در شهرهای ایران، ماخذ: (محمودی پاتی، ۱۳۸۷: ۸۲).

سکونتگاه‌های فقیر نشین	سکونتگاه‌های هستند قانونی، ولی بسیار پرجمعیت از لحاظ خدمات در سطح بسیار پائینی هستند.
سکونتگاه‌های غصبی	سکونتگاه‌هایی هستند غیر قانونی و غالباً فاقد طراحی از پیش تعیین اندیشیده شده.
سکونتگاه‌های با تفکیک غیر قانونی	دارای طراحی از پیش اندیشیده شده است ولی به صورت غیر قانونی شکل گرفته اند

محمودی پاتی مهمترین و عمده ترین علل پیدایش و گسترش اسکان غیر رسمی در ایران را این‌گونه برمی شمرد:

جدول ۴- عمده ترین علل پیدایش و گسترش اسکان غیر رسمی در ایران.

ضعف ساختاری شهرنشینی در مواجهه با نظام برونزا و مدرنیزاسیون و در نتیجه بروز عدم تعادل در نظام شهری و روستایی در سیر تکوینی شهرنشینی؛	مهمترین علل پیدایش و گسترش اسکان غیر رسمی در ایران
دومین علت در سطح کلان را نیز باید ساختاری دانست، که سازوکار تبعیض آمیز و فقر زا بر پایه توزیع عادلانه منابع قدرت، ثروت و درآمد در جریان است.	
عدم پیش بینی فضای مسکونی کافی و مناسب اقشار کم درآمد در طرح‌های کالبدی شهری و اعمال استانداردهای خارج از استطاعت ایشان؛	
دسترسی ناپذیر به نظام‌های رسمی اعتباری و وام مسکن برای کم درآمدها. به ویژه شاغلین در بخش غیر رسمی	
وجود باندهای قدرت نامشروع و سوداگران زمین باز به موازات اهمال و ناتوانی در نظارت و کنترل ساخت وسازها، به ویژه بینابینی شهرها؛	
فقدان نهادهای قدرت نامشروع و تسهیلات برای تجهیز و تجمیع منابع اقشار کم درآمد و عدم حمایت و هدایت دولت در مورد خانه سازی خودیار	
ضعف مدیریت شهری (بویژه در هدایت، نظارت و کنترل)	

ماخذ: (محمودی پاتی، ۱۳۸۷: ۸۱)

جمعیت در محله حصار ۳۸۹۴۳ و جمعیت محله دیزج ۲۶۲۴۶ است که به علت نزدیک بودن جمعیت در دو محله، مجموع جمعیت هر دو به عنوان حجم جامعه انتخاب شده است. حجم نمونه براساس وارینانس محاسبه شده در جامعه آماری محلات حصار و دیزج شهر همدان با سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۰۰۵. از فرمول زیر محاسبه گردید. حجم نمونه براساس این آزمون ۳۸۲ نفر است.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)} = 382$$

۱-۷- معرفی متغیرها و شاخص‌ها

متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش تعاملات اجتماعی و عوامل کالبدی موثر در این تعاملات هستند، به عبارت دیگر مولفه‌های کالبدی محیط (نظیر: وجود سکوه‌های مکت، تابلوهای

۱-۵- سئوال‌ها و فرضیه‌ها

۱- مهمترین عوامل کالبدی موثر بر ارتقای تعاملات اجتماعی از نظر ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی، کدامند؟
 ۲- چه ارتباطی بین مولفه‌های کالبدی تاثیرگذار بر اجتماع پذیری محلات در سکونتگاه‌های غیررسمی با یکدیگر برقرار است؟

۱-۶- روش تحقیق

روش تحقیق مقاله حاضر، در مرحله ادبیات و مبانی نظری تحقیق، روش توصیفی و تحلیلی است. در ادامه با ابزار مطالعات کتابخانه ای و اسنادی، مصاحبه و توزیع پرسشنامه در بستر مطالعات میدانی در سطح دو محله مورد نظر اقدام به بررسی و پیمایش محیط شده است. برای تحلیل داده‌ها نیز از نرم افزار spss19 و آزمون تی دو نمونه ای مستقل و آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. حجم نمونه براساس آزمون کوکران محاسبه شده است.

کیفیت ادراک طبیعت در بستر مورد مطالعه قابل
سنجش است.

۸-۱- محدوده و قلمرو پژوهش

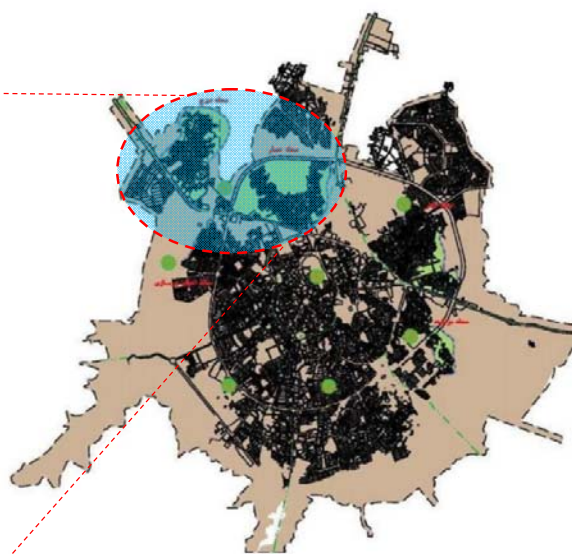
در این پژوهش محله‌های حصار امام خمینی و دیزج
در شهر همدان مورد کنکاش قرار گرفت در ادامه این
دو محله معرفی شده است: (شکل شماره ۱ و ۲).

تبلیغاتی و...) متغیر مستقل پژوهش و تعاملات
اجتماعی شکل گرفته در سکونتگاه‌های غیر رسمی
متغیر وابسته این کنکاش هستند، که تاثیر این
مولفه‌های کالبدی محیط بر تعاملات اجتماعی با
مفاهیم کالبدی نظیر: خوانایی، موقعیت و
دسترسی، مولفه‌های با هویت و خاطره انگیز، عناصر
مکث دهنده در فضا، کیفیت محیطی (مانند: کیفیت
نورگیری و صوتی و...)، تناسبات و فرم معابر و



شکل ۲- نقشه هوایی شهر همدان، موقعیت پژوهش،

ماخذ: (Google Earth, 2015).



شکل ۱- محل استقرار محلات حاشیه نشین شهر همدان

ماخذ: (شرکت عمران و بهسازی، ۱۳۸۳)

محله حصار امام خمینی

تنها با کاستی شدیدی در زمینه دستیابی به خدمات
روبه رو است، بلکه در بخش مسکن نیز از کمبود
شدیدی رنج می‌برد. چنانچه پیش تر گفته شد محله
حصار از طرح اندیشیده ای برخوردار نمی باشد، به
همین دلیل ایجاد و توسعه آنها بر حسب نیازهای آتی
ساکنان و مهاجرین صورت گرفته است (همان،
۱۳۸۳). (شکل ۳ و ۴)

یکی از محلات با اسکان غیر رسمی شهر همدان،
محله یا منطقه حصار است. این محله از جمله
محلات فقیر نشین شهر همدان محسوب می‌گردد، که
دارای هسته روستایی است. گسترش کالبدی محله
مذکور بر روی اراضی کشاورزی روستای حصار
صورت پذیرفته و این رشد همچنان ادامه دارد.
(شرکت عمران و بهسازی، ۱۳۸۳). محله حصار، نه



شکل ۴- فضاهای جمعی محله حصار
ماخذ: (نگارندگان، ۱۳۹۳).

ورزشی قابل توجه است. معابر کم عرض و طویل و بافت نامنظم، نشان دهنده این است که هیچ گونه طرح از پیش اندیشیده ای بر محله مذکور حاکم نبوده است، به همین دلیل گسترش کالبدی محله با ساخت و سازهای غالباً مسکونی در اطراف و بر روی اراضی زراعی صورت پذیرفته است. (شرکت عمران و بهسازی، ۱۳۸۳) (شکل ۶ و ۵).



شکل ۶- فضای جمعی محله دیزج.
ماخذ: (نگارندگان، ۱۳۹۳).

مطالعات اجتماعی به حساب می‌آید که می‌تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و



شکل ۳- نقشه محله محار امام خمینی
همدان. ماخذ: طرح تفصیلی شهر همدان

• محله دیزج

محله دیزج از ساختاری شبه روستایی برخوردار است. وجود هسته روستایی، فقدان نظم در بافت، کمبود خدمات در سطح بافت، قطعات تفکیکی کوچک و گسترش افقی از جمله ویژگی‌ها و خصلت‌های عمومی بافت کالبدی محله محسوب می‌گردد. کمبود سرانه محله مذکور به ویژه در زمینه کاربری‌های فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، تفریحی و



شکل ۵- نقشه محله دیزج همدان.
ماخذ: طرح تفصیلی شهر همدان

۲- مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

۲-۱- انسان، محیط، عملکرد و تعامل اجتماعی:
تعامل اجتماعی واحد اساسی و سلول بنیادین در

فعالیت‌های متناسب و در نتیجه نقش‌پذیری مردم در فضا و عضویت آن‌ها در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است (چرخ‌چیان و دانشپور، ۱۳۸۶). نکته بسیار مهم و اساسی در کنش‌های متقابل اجتماعی، وضعیت مند بودن آنهاست، انسان‌ها به نحوی آغازگر این کنش‌های اجتماعی هستند، این کنش‌ها در مکانی خاص (محیط) رخ می‌دهند و مدت زمان مشخصی دارند و بنابراین واجد نوعی همسویی زمان-مکان هستند. (فیضی، اسدپور، ۱۳۹۲: ۵) به طور کلی همجواری، تجانس، تراکم، موقعیت و هدف، عوامل اولیه و اصلی در ایجاد تعامل میان افراد هستند (مان، ۱۳۸۶: ۴۰) هنگامی که تعامل اجتماعی بین افراد ساکن در یک محیط شکل گرفت مقوله اجتماع‌پذیری در بین آن ساکنان مطرح می‌شود. لنارد دو عامل کالبد و پیش‌بینی و خلق رویدادهای اجتماعی را از عوامل تأثیرگذار در حضور و تعامل اجتماعی افراد می‌داند (لنارد ۱۳۷۷). تأمین نیاز انسان به دوست داشتن و در کنار جمع بودن مستلزم وجود یک قرارگاه کالبدی است. (Whyte, 1984). بیان گل (Gehl, 1987: 12) معتقد است که اگر چه چارچوب فیزیکی شهر تأثیری مستقیم بر روی کیفیت، محتوا و شدت ارتباطات اجتماعی ندارد، اما معماران و برنامه‌ریزان می‌توانند با طرح‌های خاص کالبدی بر امکان ملاقات، دیدن و شنیدن مؤثر بوده و نقطه آغازینی برای دیگر اشکال ارتباط فراهم آورند. فیضی و اسدپور عوامل تقویت‌کننده تعاملات اجتماعی در فضای شهری را شامل تراکم افراد، مجاورت فضایی مردم، وجود فضاهای دنج، وجود فعالیت‌های فرهنگی و هنری، حضور عناصر طبیعی و چشم‌انداز و وجود فضاهای توقف و مکث می‌دانند. (فیضی،

اسدپور، ۱۳۹۲: ۶). در یک جمع بندی کلی می‌توان ۳ عامل انسان (ویژگی‌های اجتماعی-روانی استفاده‌کنندگان)، محیط (عناصر کالبدی فضا) و نوع فعالیت‌های (عملکرد) شکل گرفته در محیط را بر شکل‌گیری تعاملات اجتماعی موثر دانست که در این پژوهش مولفه‌های کالبدی محیط به طور خاص موضوع بحث است.

۲-۲- اجتماع‌پذیری

اجتماع‌پذیری را می‌توان کیفیت فضایی تعریف کرد که افراد را دور هم جمع می‌کند و فرصتی جهت رها شدن از تنش‌های زندگی روزمره، گذران اوقات فراغت، تعاملات اجتماعی، گرد هم آیی افراد و گروه‌های مختلف و بستری برای حضور، آزادی بیان و ابراز آن‌ها در فضا است. (Sennette, 1974, 215) همفری اسموند اجتماع‌پذیری را کیفیت فضایی تعریف می‌کند که افراد را دور هم جمع می‌کند (Osmond, 1957, 26) هال به منظور مطالعه تعاملات جمعی در فضا مفاهیمی همچون اجتماع‌پذیری را مورد مطالعه قرار داده است؛ در مطالعه وی محیط به دو دسته محیط‌های اجتماع‌پذیر و محیط‌های اجتماع‌گریز (لنگ، ۱۳۸۳) تقسیم شده است. محیط‌های اجتماع‌پذیر موجب تشویق و ترغیب افراد به تعاملات جمعی می‌گردند (hall, 1982).

۲-۳- رفتار اجتماع‌پذیر انسان در سکونتگاه‌های

غیر رسمی: مسئله اجتماع‌پذیری در محیط‌های عمومی معماری که روابط بین استفاده‌کنندگان آن

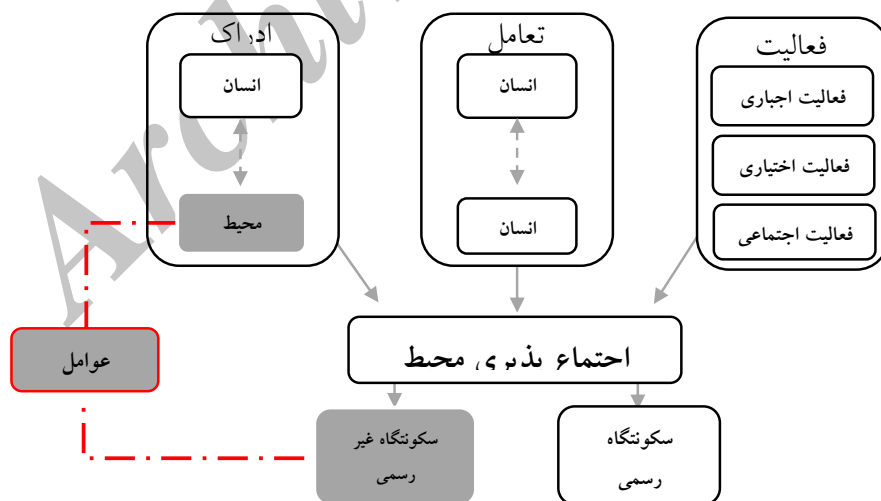
2. hall.

3. john lang

4. sociopetalness

نیاز به مسکن و کالبد زندگی را از جمله نیازهای زیستی، و نیاز به تعاملات و رابطه‌های اجتماعی را از جمله نیازهای اجتماعی دانسته است. در این هرم نیازهای فیزیولوژیکی و اجتماعی دو رکن اصلی هستند اما در پژوهش‌هایی که تاکنون صورت گرفته کمتر به این دو مقوله در کنار هم توجه شده است، از این رو، این پژوهش بحث محوری خود را بر پایه شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در یکی از نابسامان‌ترین بخش‌های مسکن و کالبد زندگی یعنی سکونتگاه‌های غیر رسمی قرار داده است. همان‌طور که قبلاً اشاره شد این تعاملات اجتماعی با استناد به پیشینه تجربی موجود در زمینه تعاملات اجتماعی از سه مولفه "ویژگی‌های محیط (کالبد)", "ویژگی‌های اجتماعی روانی استفاده‌کنندگان" و "نوع عملکرد شکل گرفته در فضا" تأثیر می‌پذیرد (شکل شماره ۷) (صالحی نیا و معماریان، ۱۳۸۸).

غیر کارکردی تر یا به تعبیری آنتروپوفیلیک (Anthropophilic) (انسانی) است مانند ابنیه فرهنگی، آموزشی، درمانی و... شایع تر است؛ ولی در این بین نباید از سکونتگاه‌های شکل گرفته در حاشیه شهرها و گاه در داخل شهرها با سطح زندگی پایین تر از استانداردهای موجود غافل بود، در این سکونتگاه‌ها، به علت سکونت قشر آسیب پذیر جامعه، محیط‌های شکل‌گیری تعامل جمعی اهمیت بسیاری دارد. از جمله نیازهای اساسی این قشر، پاسخ به نیازهای فردی و فرافردی خود از طریق تعامل صورت گرفته در این فضاها است، تعاملاتی که می‌تواند نقش فراوانی در شکل‌گیری روحیه شهروندی در بین این افراد داشته و بستر آگاهی دهنده ای باشد که از گرفتار شدن این افراد به دام آسیب‌های اجتماعی جلوگیری به عمل می‌آورد (فرگاس، ۱۳۷۹) در یکی از معروف ترین مدل‌های موجود در زمینه نیازهای انسان یعنی هرم مازلو، آبراهام مازلو Joseph p forgas



شکل ۷- چارچوب مفهومی پژوهش ماخذ (نگارندگان، ۱۳۹۳).

اجتماعی شکل گرفته در سکونتگاه‌های غیر رسمی است (شکل ۸). (Maslow, 1943)

روش نوین این پژوهش توجه به دو رکن اصلی هرم مازلو یعنی تاثیر مولفه‌های کالبدی محیط بر تعاملات



شکل ۸- عوامل کالبدی موثر در اجتماع پذیری سکونتگاه های غیر رسمی. (ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۳)

۴-۲- مفاهیم کالبدی موثر در سنجش اجتماع پذیری سکونتگاه‌های غیر رسمی خوانایی:

هر شهروند در هر لحظه می خواهد بداند کجاست و چگونه به مقصد خود خواهد رسید. در طول مسیر چه نقاط شاخصی وجود دارد و چگونه جهت یابی کند تا سردرگم نشود. جواب گویی به توقع خوانایی تبدیل مسیر به خطوطی راست و مستقیم نیست؛ تجربه نشان داده است که شبکه‌های شطرنجی و یکنواخت کمترین خوانایی را دارند. اطمینان خاطر که شهروند از خوانایی شهر خود به دست می آورد، نه فقط تبعات روانی، بلکه حتی تبعات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز دارد (پاکزاد، ۱۳۸۶). لینیچ پنج عامل خوانایی را که می توان به وسیله آنها تصویری روشن از خوانایی در شهر به وجود آورد را به، محله، گره، نشانه، لبه و راه تقسیم می کند به نظر می رسد شهروندان در قسمت‌هایی از محله که خوانا تر است تمایل بیشتری

بنا به تعریف لینیچ، غرض از خوانایی این است که به آسانی اجزای شهری را بتوان شناخت و آنها را در قالبی به هم پیوسته به یکدیگر ارتباط داد، درست همان گونه که با دیدار یک صفحه چاپی، اگر خوانا باشد، تصویری از سمبل‌های شناختی به هم وابسته در ذهن ما نقش می بندد، همان گونه در شهری که واجد سیمایی خوانا باشد، می توان تمام اجزای آن را از یکدیگر باز شناخت و یا تمام آنها را در مجموعه ای به هم پیوسته به تصور در آورد (به نقل از لینیچ، ۱۳۷۶). پاکزاد نیز حرکت در شهر بدون گم گشتگی را، از خواست‌های اولیه هر شهروندی می داند، به اعتقاد او

محیط طبیعی:

وابستگی انسان به طبیعت با چگونگی دستیابی وی به ایمنی، معاش و آسایش در رابطه مستقیم قرار می‌گیرد. زیبایی طبیعت در رابطه مستقیم با خواست‌های انسانی قرار می‌گیرد. در بسیاری از محیط‌های انسان ساخت توجه به محیط طبیعی از بعد تامین کننده منظر زیبا مورد توجه قرار گرفته است، گرچه دیدگاه‌های جدیدتر بر لزوم بسط این رویکرد به صورتی همه جانبه تاکید می‌کنند. لئوپولد معتقد است: توانایی ما برای درک کیفیت طبیعت، همانند "هنر با اجزای قشنگ" آغاز می‌شود و سپس مراحل توالی را از زیبا تا ارزش‌هایی که تاکنون زبان، توان بیان آنها را نداشته طی می‌کند (بل، ۱۳۸۲: ۱۰۸). بسیاری از برخوردهای معماران نسبت به طبیعت نیز محدود به این حوزه بوده و طبیعت از بعد فراهم آورنده و تامین کننده زیبایی مورد توجه بوده است. اما نگرش به طبیعت از زاویه ادراک محیط بر رویکردی جامع تر دلالت دارد که دریافت و ادراک مستقیم تا معانی ضمنی و ارزش‌های روانی و بهزیستی ناشی از تعامل با محیط و عناصر طبیعی را نیز در بر می‌گیرد و بازخوردی ادراکی را در نظام فعالیت‌ها و رفتارهای کاربران محیط در بر دارد، این گونه به نظر می‌رسد که محیط‌هایی که عناصر طبیعی نظیر گل، درخت و بوته و... را در خود جای داده اند یا محیط‌هایی که امکان ادراک طبیعت در عرصه آنها وجود دارد بیشتر از اماکنی که فاقد این عناصر طبیعی هستند پذیرای تعاملات اجتماعی افراد هستند.

به برقراری تعاملات اجتماعی از خود نشان می‌دهند به عبارت دیگر هر چه بافت محله برای ساکنان قابل فهم تر و خوانا تر باشد در شکل گیری تصویر ذهنی ساکنان و مقبولیت آنان موثرتر خواهد بود. این امر مهمی است که ارزیابی خودتان از خوانایی عرصه عملیاتی طراحی را از طریق مقایسه با دیدگاه‌های گروه وسیع تری از مردم در حدی که مراجع و منابع اجازه می‌دهند واریسی کنید. (بهزادفر، ۱۳۸۲)

موقعیت و دسترسی:

کیفیت دسترسی به فضاهای عمومی و خیابان‌های شهری یکی از امتیازات آنها به شمار می‌رود. هیچ کس به فکر حداکثر دسترسی نیست بلکه تنها مایل است سطح بهینه ای از آن را بدست آورد (لینچ، ۱۳۷۶: ۲۷۶). تعریف ساده ای که از دسترسی می‌توان داشت این است که چگونه با کمترین زمان با فاصله معینی به مکان معینی برسیم (لطفی، ۱۳۹۰: ۱۱۳). بنابراین تقویت دسترسی سریع و راحت باعث می‌شود تا افراد بتوانند به راحتی و با سرعت و به صورت ایمن با حداقل آلودگی وارد مراکز فعلیتی شهر شوند (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۱۰)، در واقع آنچه خیابان‌های ممتاز را از سایر خیابان‌ها متمایز می‌نماید این است که مردم بتوانند به راحتی و بدون هیچ مشکلی به خیابان دسترسی پیدا کنند (ذاکر حقیقی، ۱۳۸۹: ۵۹۴). این طور به نظر می‌رسد که در دو محله حصار و دیزج شهر همدان به عنوان بستر این پژوهش، بافت‌هایی از محله که دسترسی ساده تر و کم هزینه تری دارند از مقبولیت بیشتری در نزد ساکنان جهت برقراری تعاملات بهره مند هستند.

^۵ Aldo Leopold.

کیفیت محیطی مد نظر است و چنین به نظر می‌رسد که عرصه‌های تعاملات اجتماعی ساکنان یک محله از کیفیت محیطی مقبولی برخوردار باشند. عناصر مکث و توقف:

اگر بخواهیم مراحل توجه به اصول طراحی شهری را اولویت بندی کنیم همواره توجه به طراحی صحیح فضاهای پیاده و مکث شهری در درجه اول قرار می‌گیرند چرا که تعاملات اجتماعی، ارتباطات انسانی، حضور مردم و شکل‌گیری تعاملات اجتماعی بین آنان به شهر هویت می‌بخشد. متأسفانه در شهرهای کشور ما فضاهای مکث و گفتمان فقط در پارک‌ها خلاصه می‌شود. این گونه تصور می‌شود که از دلایل پایین تر بودن میزان تعاملات اجتماعی در محله دیزج نسبت به محله حصار کمبود عناصر و فضاهای مکث و توقف (نظیر تابلوها و عناصر هنری، معماری، تبلیغاتی و سرگرمی و همچنین فضاهای مکث نظیر مرکز محله‌ها، میدان‌ها و...) است.

عناصر با هویت و خاطره انگیز:

بهباد فر (۱۳۸۶) معتقد است برای شناخت هویت یک شهر باید مولفه‌های سازنده شخصیت آن شهر را شناخت. او مولفه‌های سازنده هویت شهر را به دو بعد عینی یا کالبدی و ذهنی یا روحی تقسیم می‌کند. این دو بعد می‌تواند از طریق سه محیط طبیعی، مصنوعی و انسانی از همدیگر تفکیک گردد. او اجزا متغیرهای طبیعی را چون کوه، دشت، رود، تپه و... بر می‌شمرد و اجزا و مولفه‌های مصنوعی را نیز از متغیرهایی چون تک بناها، بلوک شهری، محله، راه، خیابان، میدان و نظیر آن می‌داند. اجزا و مولفه‌های انسانی را نیز

کیفیت محیط: پژوهش‌های مربوط به شاخصه‌های شهری یکی از زمینه‌های نهضت شاخص‌های اجتماعی است که در اواخر دهه ی، ۱۹۶۰ از جانب ریموند بائر بنیان گذاری شد (بحرینی، ۱۹۹۸: ۴۵). مجموع شاخص‌هایی که برای سنجش کیفیت محیط در نظر گرفته می‌شود، روی هم رفته نیم رخ کیفیت محیطی حوزه ی مورد مطالعه را به وجود می‌آورند. نیم رخ یک نمای سریع و آسان از شرایط محیط، برحسب عوامل محیطی مرتبط فراهم می‌آورد، و بستر را برای شروع برنامه ریزی و تدوین راهبردهای توسعه ی حوزه ی مورد مطالعه آماده می‌کند (Van poll, 1997). از مباحث مطرح شده درباره ی مؤلفه‌های سازنده ی کیفیت محیط چنین نتیجه گرفته می‌شود که مبحث کیفیت محیط یک مفهوم چند بعدی و سلسله مراتبی است. دو نوع شاخص برای سنجش کیفیت محیط قابل تشخیص است: شاخص‌های مشاهده ی کارشناسی و شاخص‌های اثرمحور. شاخص‌های مشاهده ی کارشناسی بر اساس ویژگی‌های واقعی محیط، شاخص‌هایی هستند که با روش‌های فیزیکی و از طریق خود انسا ن‌ها قابل بررسی و اندازه گیری هستند نظیر میزان نورگیری فضا (طبیعی و مصنوعی) کیفیت صدایی محیط و... شاخص‌های اثرمحور، واکنش‌های ادراکی و عاطفی برانگیخته شده از شرایط محیط سکونتی هستند. معیار اندازه گیری این آثار، سنجش میزان رضایت مندی و یا احساس آزردهی شخص نسبت به شرایط سکونتش است. در این پژوهش شاخص نخست یعنی شاخص‌های فیزیکی سنجش

شده در این توسعه عمودی (آپارتمان سازی) حداقل ملزومات طراحی شهری و ساخت و ساز لحاظ می‌شود و تناسبات و فرم معابر از وضعیت نامطلوبی برخوردار است، که به نظر می‌رسد خود از دلایل بی رغبتی این ساکنان به حضور در فضاهای جمعی محله خود و برقراری تعامل اجتماعی با سایر هم نوعان است. دلایلی از این دست سبب شده است تا این ساکنان به جای حضور در فضاهای جمعی محله خود (که از کیفیتی پایینتر از استانداردهای موجود برخوردار است) برای گذران ساعاتی با هم نوعان، فضاهایی خارج از محله خود را مد نظر قرار دهند. ادامه به تمهیداتی در دو زمینه توسعه عمودی و افقی معابر این سکونتگاه‌ها اشاره شده است: به عبارت دیگر هر چه تداوم طولی و ارتفاعی ساختمان بیشتر باشد یعنی نقطه پایانی از لحاظ طولی و ارتفاعی نتوان برای آن متصور بود از مقبولیت کمتری در نزد ساکنان برخوردار است، با این وجود یکی از اقداماتی که برای کاهش ارتفاع بدنه خیابان‌ها انجام می‌شود ایجاد مانع از طریق پیش آمدگی (کتیبه‌ها، قرنیزها و...) در نمای ساختمان است، این عناصر به تعریف فضا و مقیاس خیابان کمک کرده به طوری که معماران آن‌ها را به انواع مختلف و به شیوه‌های جالب به کار می‌برند (معکوس کردن، اضافه کردن خطوط به نما و...) هدف از این کار جلوگیری از کشش چشم به سمت بالاست، وقتی چشم به سمت بالا یا در امتداد طول کشیده می‌شود به نوبه خود نوعی سردرگمی در ساکنان را ایجاد می‌کند و به نظر می‌رسد با ایجاد تصویر ذهنی نامطلوب نزد ساکنان از دلایل عدم تمایل آن‌ها به حضور در فضاهای جمعی محله خود است. نکته ای که در ابعاد طولی ساختمان مهم است

شامل متغیرهای، زبان، دین، آداب و رسوم، اعتقادات محلی و ... ذکر می‌کند (بهزاد فر، ۱۳۸۶: ۴-۵۵). در این پژوهش محیط مصنوع و طبیعی (به عبارتی بعد عینی و کالبدی هویت شهر) مورد بررسی قرار می‌گیرد پاکزاد، بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت فردی او را می‌سازد، را مکانی می‌داند که خود را با آن می‌شناسد و به دیگران می‌شناساند. او معتقد است انسان هنگامی که درباره خود فکر می‌کند، خود را متصل به مکانی می‌داند که در آن زیست می‌کند و آن مکان را بخشی از خود می‌شمارد، میان فرد و زندگی اش رابطه ای عمیق وجود دارد که پاکزاد از این رابطه با به خود همانی با فضا تعبیر می‌کند. (پاکزاد، ۱۳۷۵: ۱۰۴)

قاسمی، هویت را جزو ویژگی‌های یک پدیده نمی‌داند، بلکه آن را حاصل توافقی میان فرد و پدیده مورد ارزیابی تعریف می‌کند بر این مبنا، هویت مفهومی نسبی است که یک سرآن به انسان بر می‌گردد و سر دیگرش در محیط تعریف می‌شود (قاسمی، ۱۳۸۳: ۶۹-۷۰). اماکنی که ابعاد عینی و کالبدی هویت شهر را به وفور دارا هستند به نظر می‌رسد بیشتر از سایر فضاها نقش محفل و بستر تعاملات اجتماعی را در بین ساکنان ایفا می‌کنند.

تناسبات و فرم معابر:

سکونتگاه‌های غیر رسمی معمولا محل اسکان اقشار آسیب پذیر جامعه بوده است و در اکثر آن‌ها کیفیت ساخت و ساز جای خود را به سرعت و بلند مرتبه سازی (چون این سکونتگاه‌ها ساکنانی بیش از ظرفیت معمول را در خود جای داده اند که از بالا بودن شاخص خانوار در واحد مسکونی و شاخص نفر بر اتاق می‌توان به این مسئله پی برد) داده است اما دیده

منقطع بودن امتداد طولی ساختمان (اندازه بلوک طولی کوچکتر باشد) است.

اگر هیچ مقیاس مفیدی برای اندازه‌گیری وجود نداشته باشد، سبب گمراهی انسان در درک اندازه

واقعی محیط می‌گردد. (هدمن و یازوسکی، ۱۳۸۷) (شکل ۹).



شکل ۹- تمهیدات کاهش تداوم افقی و عمودی فرم ساختمان، ماخذ (هدمن و یازوسکی، ۱۳۸۷)

۳- تحلیل یافته‌ها

با توجه به لزوم توجه به پایایی تحلیل‌ها در پرسشنامه‌های مورد نظر، میزان این شاخص با توجه به آماره آلفای کرونباخ مورد محاسبه قرار گرفت که به صورت زیر می‌باشد (جدول ۶). همانطور که مشخص است مقدار این آماره بیشتر از ۰.۷۰ می‌باشد که این امر بیانگر پایا و مورد اطمینان بودن پرسشنامه مورد نظر به منظور تحلیل‌های بعدی می‌باشد.

جدول ۶- میزان پایایی سوالات پرسشنامه

پایایی تحلیل‌های آماری	
تعداد آیتم‌ها	آلفای کرونباخ
۸	۰.۷۴۸

۳-۱- مقایسه مؤلفه‌های کالبدی فضاهای عمومی محله

در این قسمت با محاسبه میانگین نمرات هر یک از مؤلفه‌های شاخص کالبدی در فضاهای عمومی محله

و همچنین مجموع درصد پاسخ‌های موافق و بسیار موافق با هر یک از گویه‌ها، مؤلفه‌های شاخص کالبدی فضای عمومی در محله‌های مورد بررسی اولویت بنده شده است؛

جدول ۷- جدول گروه‌های آماری مرتبط با مؤلفه کالبدی فضای عمومی

انحراف معیار	میانگین نمره	تعداد افراد	شاخص	
			تعداد افراد	محل
۴,۵۰۶۸	۰,۶۳۷۳	۳۸۲	۳۹۴۳	محله حصار
۶,۲۴۷	۰,۸۸۳۵		۲۹۲۴۶	محله دیزج

در ادامه میانگین مشاهده شده نمرات شاخص کالبدی فضای عمومی را در دو محله حصار و دیزج با یکدیگر مقایسه می‌کنیم تا مشخص شود اختلاف معناداری بین شاخص مورد نظر در این دو مکان مختلف وجود دارد یا خیر. به همین منظور از آزمون t دو نمونه مستقل برای رسیدن به این هدف استفاده

خواهیم کرد این آزمون، میانگین دو گروه از پاسخگویان را دو حالت متفاوت با یکدیگر مقایسه می‌کند. از این آزمون برای محاسبه فاصله اطمینان و یا آزمون فرضیه تفاوت میانگین یک متغیر استفاده می‌شود. در این آزمون‌ها فرض آماري به صورت زیر مطرح می‌شوند:

$$\begin{cases} H_0: \mu_1 = \mu_2 \\ H_1: \mu_1 \neq \mu_2 \end{cases}$$

فرض صفر در واقع بیان می‌کند که اختلاف معنی داری (زیادی) بین میانگین دو گروه یک و دو وجود ندارد چنانچه آزمون t منجر به رد فرض صفر ما گردد یعنی بین دو گروه اختلاف زیادی وجود دارد. با توجه به نکات گفته شده پس از آماده‌سازی داده‌ها در spss19 عملیات تحلیل با استفاده از آزمون مورد نظر انجام شد که خروجی نتایج به صورت جدول ۷ و ۸ است (جدول ۷ و ۸)

جدول ۸- آزمون T دو نمونه مستقل در رابطه با شاخص کالبدی در فضای عمومی محله

شاخص	T مقدار	درجه آزادی Df	سطح معنی داری (دوطرفه)		اختلاف میانگین در سطح اطمینان ۹۵٪
			حد پایینی	حد بالایی	
کالبدی فضای عمومی فرض واریانس برابر با فرض واریانس نامساوی	-۱,۱۷۵	۹۸	.۰۱۳	-۳,۴۴۲۰۱	۸۸۲۰۱
	-۱,۱۷۵	۸۹,۱۲۹		۱,۰۸۹۴۷	۸۸۴۷۱

جدول ۹- بررسی میزان اهمیت هریک از مولفه های کالبدی بر اجتماع پذیری سکونت گاه های غیر رسمی

مولفه	نام محله	میانگین	انحراف معیار
۱- وجود مبلمان نشستن و استراحت	محله حصار	۳,۳۲	۱,۰۹۶
	محله دیزج	۲,۷۶	۱,۲۳۸
۲- تناسبات فضا، بزرگی، دلبازی اندازه فضا	محله حصار	۳,۳۴	۰,۷۵۴
	محله دیزج	۳,۵۴	۱,۱۴۷
۳- وجود فضاهای کانونی تجمع افراد مثل زمین بازی و ایستگاه اتوبوس و مکان غذا خوردن، وجود عناصری مثل یادمان و آبنا و...	محله حصار	۳,۳۶	۰,۶۴۶
	محله دیزج	۳,۵۰	۱,۱۴۷
۴- استفاده از فرم‌ها و رنگ‌های با هویت و خودمانی جهت مکت در فضا	محله حصار	۳,۱۲	۰,۷۹۹
	محله دیزج	۲,۱۰	۱,۰۳۵
۵- میزان نورگیری فضا (طبیعی_مصنوعی)، صدا و عملکردهای همجوار	محله حصار	۲,۹۸	۱,۰۲۰
	محله دیزج	۳,۲۴	۱,۲۸۷
۵- وجود عناصر مکت و توقف، تابلوهای آگاهی دهنده هنری و معماری و تبلیغاتی	محله حصار	۳,۸۲	۰,۸۷۳
	محله دیزج	۳,۵۴	۱,۲۱۶
۷- موقعیت قرارگیری دسترسی سواره و پیاده و نحوه ارتباط با سیستم حمل و نقل شهری	محله حصار	۳,۱۶	۱,۰۱۷
	محله دیزج	۳,۲۲	۱,۲۶۶
۸- وجود عناصر طبیعی در فضای باز یا امکان ادراک طبیعت در فضا	محله حصار	۲,۷۴	۱,۰۰۶
	محله دیزج	۳,۲۶	۱,۱۹۲

عمومی به ترتیب برابر ۶۳۷۳ و ۸۸۳۵ می‌باشد و انحراف معیار این دو نمونه نیز هر کدام به ترتیب

همان‌طور که مشخص است میانگین نمرات در محله حصار و دیزج برای شاخص کالبدی در فضای

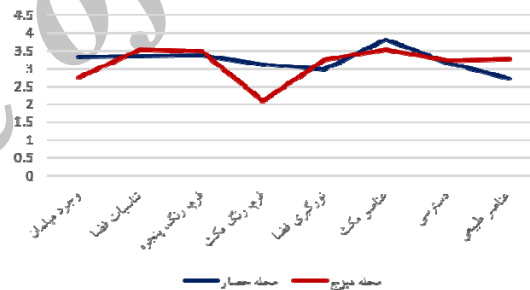
مکث و توقف، تابلوهای آگاهی دهنده هنری و معماری و تبلیغاتی در هر دو محله مهمترین عامل کالبدی تاثیرگذار بر اجتماع پذیری در سکونتگاه‌های غیر رسمی از منظر ادراکات مردم شمرده می‌شود. (جدول ۹ و شکل ۱۰).

۳-۳- بررسی رابطه بین هریک از مفاهیم کالبدی

اصلی تاثیر گذار بر اجتماع پذیری فضا

به منظور سنجش رابطه بین مولفه‌های کالبدی با یکدیگر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. ضریب همبستگی (Correlation Coefficient) ابزاری آماری برای تعیین نوع و درجه رابطه‌ی یک متغیر کمی با متغیر کمی دیگر است. ضریب همبستگی شدت رابطه و همچنین نوع رابطه (مستقیم یا معکوس) را نشان می‌دهد. این ضریب عددی بین ۱ تا -۱ است و در عدم وجود رابطه بین دو متغیر، برابر صفر است. جدول شماره ۱۰ نشانگر روابط همبستگی بین مولفه‌های کالبدی اصلی محله حصار امام خمینی همدان است. با توجه به جدول شماره ۱۰ مشاهده می‌شود که بین مولفه‌های کیفیت کالبدی در محله ی حصار همدان رابطه ی زیر برقرار است: نتایج جدول نشانگر این است که به عنوان نمونه، بین مولفه (موقعیت و دسترسی) و کیفیت عناصر مکث و توقف، خاطره انگیزی، کیفیت محیط و خوانایی ارتباط مستقیم برقرار است، به این معنا که با ارتقای موقعیت جانمایی و دسترسی به شبکه معابر (کیفیت‌هایی کالبدی)، کیفیت‌های کالبدی مذکور ارتقا می‌یابد و بالعکس. (جدول ۱۰) (شکل ۱۱).

۶,۵۰۶ و ۶,۲۴۷ می‌باشد. اولین مرحله در تفسیر آزمون t دو نمونه مستقل بررسی وجود تفاوت معنادار دو گروه در دو شرایط متفاوت می‌باشد که سطح معناداری در این قسمت می‌تواند ملاک مناسبی برای سنجش این مهم می‌باشد. همان‌طور که در جدول شماره (۸) مشخص است با توجه به مقدار سطح معناداری که کمتر از ۰.۰۵ می‌باشد، تفاوت معناداری در شاخص کالبدی در دو محله حصار و دیزج از منظر ادراکات ذهنی مردم وجود دارد. در همین راستا با توجه به ارقام میانگین دو گروه می‌توان گفت که معیارهای کالبدی در محله حصار به‌طور معناداری از مولفه‌های کالبدی محله دیزج برتر هستند. (جدول ۸).



شکل ۱۰: میزان اهمیت مولفه‌های کالبدی محلات

حصار و دیزج نسبت به هم

۳-۲- بررسی میزان اهمیت مولفه‌های کالبدی بر

اجتماع پذیری سکونت گاه‌های غیر رسمی

در این مرحله به منظور اولویت بندی شاخص‌ها و میزان اهمیت هریک از مولفه‌های کالبدی جدول شماره ۹ ترسیم شده است. نمودار شماره ۱۰ نشانگر میزان اهمیت نسبی این مولفه‌ها نسبت به هم است. همان‌طور که در جدول شماره ۹ و نمودار شماره ۱۰ مشاهده می‌شود مولفه کالبدی وجود عناصر

جدول ۱۰- بررسی رابطه همبستگی بین مولفه‌های کالبدی محله حصار امام خمینی همدان. ماخذ(نگارندگان، ۱۳۹۳)

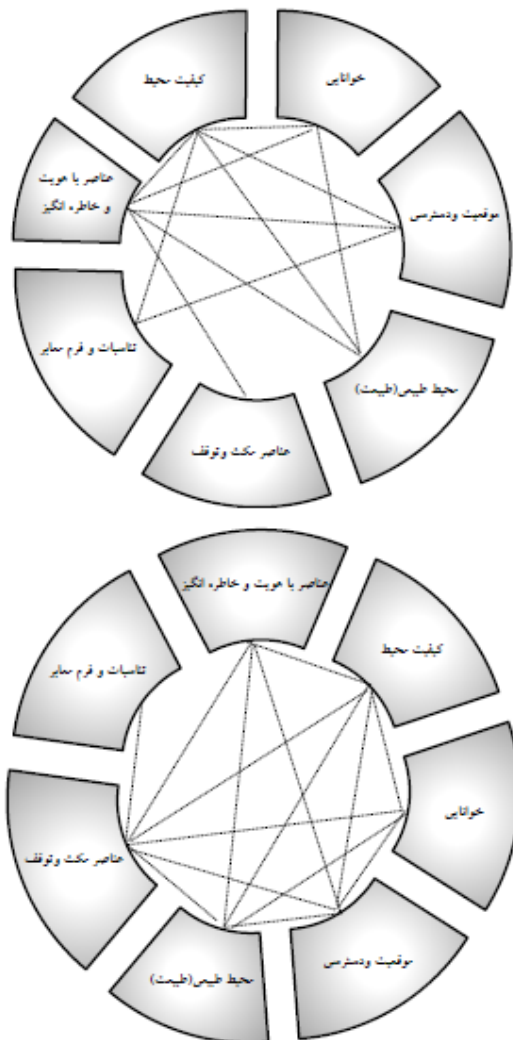
حصر	وجود مبلمان نشیمن و استراحت	فرم هندسه، نظم هماهنگی تشخیص‌ها، موزن، تناسبات فضایی، بلندی، بلندی اندازه فضا	وجود فضاهای کانونی تجمع افراد مثل زمین بازی و ایستگاه اتوبوس و مکان غذا خوردن، وجود عناصری مثل پارک و آبنما و...	استفاده از فرم‌ها و رنگ‌ها با هویت و خودمانی جهت مکث در فضا	میزان نورگیری فضا (طبیعی - مصنوعی)، صدا و عناصر دهنده‌های همجوار	وجود عناصر مکث و توقف؛ تابلوهای آگاهی دهنده هنری و معماری و تبلیغاتی	موقعیت قرارگیری دسترسی سواره و پیاده و نحوه ارتباط با سیستم حمل و نقل شهری	وجود عناصر طبیعی در فضای باز یا امکان ادراک طبیعت در فضا
عناصر مکث و توقف	۱							
تناسبات و فرم معابر	۰.۵۸۹**	۱						
موقعیت	۰.۲۴۹	۰.۱۱۷	۱					
هویت و خاطره انگیزی	۰.۲۸۱**	۰.۲۳۹	۰.۰۴۹	۱				
کیفیت محیط	۰.۴۶۲**	۰.۲۵۱	۰.۲۶۲*	۰.۳۵۴**	۱			
خوانایی	۰.۳۵۰**	۰.۲۲۱	۰.۱۵۰	۰.۲۶۶	۰.۳۸۵**	۱		
دسترسی	۰.۴۲۶**	۰.۲۴۱	۰.۱۰۱	۰.۱۷۸**	۰.۳۶۹**	۰.۳۸۵**	۱	
محیط طبیعی	۰.۴۱۰**	۰.۱۲۰	۰.۱۵۱	۰.۲۰۳**	۰.۱۶۵**	۰.۲۵۲**	۰.۶۰۰**	۱

**p<0.01 و *p<0.05

جدول ۱۱- بررسی رابطه همبستگی بین مولفه‌های کالبدی محله دیزج همدان. ماخذ(نگارندگان، ۱۳۹۳).

دیزج	وجود مبلمان نشیمن و استراحت	فرم هندسه، نظم هماهنگی تشخیص‌ها، موزن، تناسبات فضایی، بلندی، بلندی اندازه فضا	وجود فضاهای کانونی تجمع افراد مثل زمین بازی و ایستگاه اتوبوس و مکان غذا خوردن، وجود عناصری مثل پارک و آبنما و...	استفاده از فرم‌ها و رنگ‌ها با هویت و خودمانی جهت مکث در فضا	میزان نورگیری فضا (طبیعی - مصنوعی)، صدا و عناصر دهنده‌های همجوار	وجود عناصر مکث و توقف؛ تابلوهای آگاهی دهنده هنری و معماری و تبلیغاتی	موقعیت قرارگیری دسترسی سواره و پیاده و نحوه ارتباط با سیستم حمل و نقل شهری	وجود عناصر طبیعی در فضای باز یا امکان ادراک طبیعت در فضا
عناصر مکث و توقف	۱							
تناسبات و فرم معابر	۰.۰۷۹	۱						
موقعیت	-۰.۰۱۴	۰.۳۴۹**	۱					
هویت و خاطره انگیزی	۰.۰۰۳	۰.۲۴۶	۰.۱۹۸	۱				
کیفیت محیط	-۰.۲۱۹	۰.۴۳۶**	۰.۴۴۲**	۰.۲۴۲	۱			
خوانایی	۰.۰۸۸	۰.۱۹۶	۰.۳۶۱**	۰.۲۴۸	۰.۲۲۹	۱		
دسترسی	۰.۰۶۰	۰.۳۶۳**	۰.۴۴۲**	۰.۱۸۵	۰.۳۶۳**	۰.۱۶۰	۱	
محیط طبیعی	۰.۰۸۵	۰.۱۶۱	۰.۲۴۱	۰.۳۰۹**	۰.۳۶۳**	۰.۳۶۹**	۰.۲۰۵	۱

**p<0.01 و *p<0.05



شکل ۱۱- ارتباطات بین مولفه های کالبدی در محله های حصار و دیزج همدان را براساس نتایج آزمون پیرسون نشان می دهد، ماخذ(نگارندگان، ۱۳۹۳).

۵- نتیجه گیری

کالبد هر شهر و هر محله انعکاس دهنده مسائل، مشکلات و توانایی های هر شهر یا محله است. در سکونتگاه های غیر رسمی به دلیل بافت اجتماعی و فرهنگی ناهمگون از نظر قومی، زبانی، منشأ اجتماعی، سابقه سکونت و غیره موضوع غریبگی

نتایج جدول ۱۱ نشانگر ارتباطات بین مولفه های کالبدی در محله دیزج همدان است. نتایج جدول حاکی از این است که به عنوان نمونه ارتقای کیفیت های کالبدی مربوط به دسترسی و موقعیت، دارای ارتباط مستقیم و معنادار با مولفه های فرم خیابان ها، وجود عناصر با هویت و خاطره انگیز و مولفه های کیفیت محیط است. به این معنا که با ارتقای مولفه های مذکور، کیفیت کالبدی مربوط به دسترسی و موقعیت ارتقا می یابد و به دنبال آن اجتماع پذیری نیز در محله افزایش خواهد یافت و بالعکس. نمودار شماره ۱۱ نشانگر روابط حاکم بین این مولفه های کالبدی است. (جدول ۱۱) (شکل ۱۱).

۴- بحث اصلی: به طور کلی از فرضیات و یافته های پژوهش می توان استنباط کرد که در هر دو سکونتگاه غیر رسمی نامبرده (حصار امام خمینی و دیزج) به دلیل عدم وجود طرح از پیش اندیشیده شده شهری، ساخت و سازهای خودرو، سریع و فاقد مجوز ساخت و ساز، مولفه های کالبدی محیط در وضع نامطلوبی به سر می برند (البته وضعیت محله حصار اندکی بهتر است که به نظر می رسد به دلیل اجرای اندکی از طرح های توانمندسازی سکونتگاه های غیر رسمی در این محله است). ولی همانطور که از نمودارها و جدول های رابطه بین مفاهیم کالبدی موثر بر اجتماع پذیری ساکنان (جدول ۱۰ و ۱۱ و نمودار ۱۱) نتیجه می شود می توان با ارتقا نسبی این مفاهیم کالبدی یا حداقل با اهمیت ترین این مفاهیم کالبدی (که طبق یافته های پژوهش با مفاهیم کالبدی بیشتری در رابطه مستقیم است) شاهد سکونتگاه هایی پویا تر و پرتعامل تر باشیم.

ریزینی بیشتر در یافته‌های تحقیق استنباط می‌شود که در محله حصار وجود عناصر مکث و توقف، تابلوهای آگاهی دهنده هنری، معماری و تبلیغاتی مهمترین عامل کالبدی و مولفه وجود عناصر طبیعی در فضای باز یا امکان ادراک طبیعت در فضا کم اهمیت ترین مولفه کالبدی تأثیرگذار بر اجتماعی پذیری فضا است.

۵-پیشنهاها

توصیه می‌شود مسئولان طراحان و برنامه ریزان شهری با توجه به فقدان امکانات کافی زندگی در سکونتگاه‌های غیر رسمی شهر توجه بیشتری به پروژه‌های ارتقای سطح کالبدی این مناطق مبذول دارند تا این قشر آسیب پذیر جامعه نیز خود را قشری از جامعه و شهر دانسته و از احساس تبعیض و نا برابری بین آن‌ها و سایر ساکنان شهر کاسته شود و از این رهگذر در چنین محله‌هایی از فضاهایی شاداب، پویا و سر زنده برخوردار باشیم، فضای عمومی که افراد را جذب می‌کند، توجه به چنین مواردی می‌تواند مبنای شکل گیری پژوهش‌های آتی در این زمینه باشد. با استفاده از نتایج به دست آمده از پژوهش راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

- ارتقای فضاهای کانونی تجمع افراد برای گذران اوقات فراغت در هر دو محله مانند یادمان‌ها، آبنماها، ایستگاه‌های تاکسی و اتوبوس و... که می‌تواند ارتقای کیفیت محیط و اجتماع پذیری را به همراه داشته باشد.
- ارتقای کیفیت محیط طبیعی (نورگیری و...) و افزایش فضاهای سبز در محلات، همراه با سکوه‌های مناسب مکث

بسیار پر رنگ است. در چنین اجتماعاتی افراد تازه وارد نیازمند بسترها و ابزارهایی برای حضور در شبکه‌های اجتماعی و برقراری تعامل با دیگران هستند، از این رو این پژوهش در پی تدوین و بررسی متغیرهای کالبدی موثر در شکل گیری اجتماع پذیری در سکونتگاه‌های غیر رسمی از طریق مقایسه دو سکونتگاه غیر رسمی حصار و دیزج در شهر همدان بوده است. نتایج این تحقیق بیان می‌دارد که که متغیر ویژگی‌های کالبدی محیط عمومی معماری مانند فرم هندسه، نظم، هماهنگی، تشخیص، هارمونی، تناسبات فضا، بزرگی، دلبازی اندازه فضا(تناسبات و فرم معابر)، و استفاده از فرم‌ها و رنگ‌ها و تزیینات متنوع و با هویت در در جداره و سقف، پنجره‌ها (هویت و خاطره انگیزی) و میزان نورگیری فضا(طبیعی _ مصنوعی)، آبنما، صدا و عملکردهای همجوار(کیفیت محیط)، وجود مبلمان نشستن و استراحت، وجود عناصر مکث و توقف نظیر تابلوهای آگاهی دهنده هنری، معماری و تبلیغاتی و... (عناصر مکث و توقف)، فضاهای کانونی تجمع افراد مثل زمین بازی، ایستگاه اتوبوس، مکان غذا خوردن، وجود عناصری مثل یادمان و... (موقعیت قرارگیری)، دسترسی سواره و پیاده، نحوه ارتباط با سیستم حمل و نقل شهری(دسترسی) و وجود عناصر طبیعی در فضای باز یا امکان ادراک طبیعت در فضای عمومی معماری(محیط طبیعی) از عوامل کالبدی مهمی است که بر روند شکل گیری اجتماع پذیری و ایجاد فضاهای پر تعامل تأثیر گذار است. نتایج یافته‌ها حاکی از این است که عوامل کالبدی شکل دهنده اجتماع پذیری در محله حصار از وضعیت مناسب تری نسبت به محله دیزج برخوردار است و با

پورموسوی، موسی، معصومی، سلمان، (۱۳۸۹)،
ساماندهی و توانمندسازی محله‌های آسیب
پذیر با تاکید بر نقش مدیریت شهری، ماهنامه
شهرداریها، سال یازدهم، شماره ۹۹.

پیران، پرویز، (۱۳۸۱)، باز هم در باب اسکان
غیررسمی: مطالعه موردی شیرآباد زاهدان، مجله
هفت شهر، شماره نهم و دهم، سال سوم، صص
۱۲-۵

دانشپور، سید عبدالهادی و چرخ‌چیان، مریم. (۱۳۸۶). فضاهای عمومی و عوامل موثر بر حیات
جمعی، باغ نظر، شماره ۷، صص ۱۹-۲۸.

ذاکر حقیقی، کیانوش، (۱۳۸۹)، مجموعه
استانداردهای طراحی شهری، مرکز مطالعات و
تحقیقات شهرسازی و معماری، تهران
زاهدانی، سید سعید زاهد (۱۳۶۹)، حاشیه
نشینی، انتشارات دانشگاه شیراز.

زیاری، کرامت الله، و سالاروندیان، فاطمه، و قنبری
نسب، علی، و حبیبی، لیلا. (۱۳۹۲). بررسی و
تحلیل تطبیقی تفاوت‌های سکونتگاه‌های غیر
رسمی شیراز (موارد مطالعه شهرک بهار، مهدی
آباد، سهل آباد)، فصل نامه آمایش محیط،
شماره ۲۱..

سرور، رحیم، جعفری، فرهاد، (۱۳۸۸)، تحلیل روند
شهرنشینی و آینده نگری رشد سکونتگاه‌های
غیررسمی در منطقه کلانشهری تهران، سمینار
جغرافیا، شماره ۲۳.

شاه‌حسینی، پروانه (۱۳۸۴)، «سکونتگاه خودرو و
امنیت اجتماعی (مورد شهر پاکدشت)» مجله
جغرافیا و توسعه، شماره ۶، صص ۱۷۲-

۱۵۷

• ارتقای عناصر خاطره انگیز و با هویت در
محلات، که موجب افزایش حس تعلق ساکنان نیز
خواهد شد.

• استفاده از عناصر مختلف یا حذف عناصر زائد به
منظور ارتقای خوانایی، مانند گره، نشانه، لبه و....

• تبدیل انبارها و فضاهای رها شده به فضای
عمومی جمعی، که به دنبال خود جذب مردم و
اجتماع پذیری فضا و به نوبه خود کاهش معضلات
اجتماعی را به همراه خواهد داشت.

منابع

ایراندوست، کیومرث و مظفر، صرافی، (۱۳۸۶)، یاس
و امید در سکونتگاه‌های غیررسمی، نمونه
موردی شهر کرمانشاه. رفاه اجتماعی، سال هفتم،
شماره ۲۶، صص ۲۰۱-۲۲۱.

ایراندوست، کیومرث، (۱۳۸۶)، مرور تجربه‌های کوتاه
توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی، نمونه
شهر کرمانشاه. جغرافیا و توسعه. شماره ۲۰،
صص ۵۹-۷۸.

بل، سایمون (۱۳۸۲) منظر، الگو، ادراک، فرآیند،
ترجمه بهناز امین زاده، انتشارات دانشگاه تهران،
چاپ اول.

بتلوسی، ای این، الکک، آلن، مورین، پال، مک
گلین، سو، اسمیت، گراهام، (۱۳۸۲)، محیط‌های
پاس‌خده: کتاب راهنمای طراحان،
ترجمه: مصطفی بهزادفر، انتشارات علم
و صنعت، چاپ پنجم، تهران، ۱۸۰ص.

پاکزاد، جهان‌شاه، (۱۳۸۶)، مقالاتی در باب طراحی
شهری، انتشارات شهیدی، تهران

- شرکت عمران و بهسازی، ۱۳۸۳
 صالحی نیا، مجید. و معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۸). اجتماع پذیری فضای معماری، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، شماره ۴۰، زمستان ۱۳۸۸. صص ۵-۱۷.
- فرگاس، جوزف. (۱۳۷۹). روانشناسی تعامل اجتماعی: رفتار میان فردی (ترجمه: مهرداد فیروز بخت و خشایار بیگی)، تهران، انتشارات مهد.
- فیضی پور، محسن، اسدپور، علی. (۱۳۹۲) فرآیند بازآفرینی میدین شهر تهران با هدف ارتقای تعاملات اجتماعی شهروندان، شماره هفتم، تابستان، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری
- قادرمرزی، حمید، جمشیدی، علیرضا، جمشیدی، معصومه، جمینی، داود، (۱۳۹۳)، اولویت بندی چالش‌های اسکان غیر رسمی با استفاده از تحلیل سلسله مراتبی (AHP)، مطالعه موردی: محمدجعفرآباد کرمانشاه، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، شماره ششم، صص ۵۸-۴۳.
- کمانرودی، موسی (۱۳۷۶) ساماندهی اسکان غیررسمی منطقه ی ۶ شهرداری، پایان نامه.
- لطفی، صدیقی، منوچهری میاندوآب، آهار حسن، (۱۳۹۰)، سنجش میزان دسترسی به تسهیلات شهری با استفاده از منطق فازی، نمونه موردی: شهر تبریز، مجله مدیریت شهری، شماره ۳۰
- نارد، سوزان کروهرست. (۱۳۷۷). طراحی فضای شهری و زندگی اجتماعی (ترجمه: مجتبی پور
- رسول)، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۴۴ و ۴۵، تهران.
- لنگ، جان، (۱۳۸۳)، آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضاعینی، فر، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- لینچ، کوین، (۱۳۷۶)، تئوری شکل خوب شهر، ترجمه دکتر سید حسین بحرینی، دانشگاه تهران، تهران
- محمودی پاتی، فرزین و محمد پور عمران، محمد، (۱۳۸۷)، سیاست‌های مدیریت زمین شهری، انتشارت شیدی، چاپ اول.
- مشکینی، ابوالفضل و زیاری، کرامت الله و کلانتری، محسن و پرهیز، فریاد، (۱۳۹۲). ((تحلیل فضایی کالبدی ناهنجاری‌های اجتماعی در مناطق اسکان غیر رسمی: مطالعه موردی منطقه اسکان غیر رسمی اسلام آباد در شهر زنجان))، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۵، شماره ۲، تابستان ۹۲، صص ۱۶۱-۱۷۰
- نقدی، اسد الله (۱۳۸۶). حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی (جهان چهارم)، انتشارات فناوران، همدان.
- هادیزاده بزاز، مریم (۱۳۸۲)، «حاشیه نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان»، انتشارات شهرداری مشهد.
- هدمن ریچارد و یازوسکی آندرو، (۱۳۸۷)، مبانی طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت
- Bahraini, H., Tabibian, M., (1998), An Assessment Model for the Quality of Urban
- Behzadfar, M. (1386). City identity: A glance to Tehran identity. Tehran: Shahr Press Institute.

- Environment, A Journal of Environmental Studies (in Persian), University of Tehran, Evaluation, University of Groningen.
- Gehl, J (1987). Life between Buildings: Using Public Space, New York: Van Nostrand Reinhold.
- Ghasemi Esfahani, M. (1383). Where are we from?: Identity of residential textures. Tehran: Rozaneh Press.
- Hall, E. T. (1982), the Hidden Dimension, New York: Anchor Books, Doubleday.
- Lynch, K. (1381). Theory of city form (translated by Bahreini, S. H.). Tehran: Tehran University Pres
- Mann, normal. (1977).the effect of simules queues on queue- joining behavior. journal of personality and social psychology, no.3.
- Maslow, A.H. (1943),”A theory of human motivation”, psychological review, 50(4):370-96, retrieved from:<http://psychclassics.yorku.ca/maslow/motivation.htm>.
- No. 21- 22, pp. 41-56.
- Osmond. (1957).function as the basis of psychiatric ward design, New York, Holt Rinehart and Winston.
- Pakzad. J. (1375). Identity and convergence to the space. Sofeh, Vol. 6, No. 21-22.
- Pakzad. J.. (1386). Articles on the concepts of architecture and urban design. Tehran: Shahidi Press.
- Sennett, Richard. (1974).the fall of public man, New York, ww nrton&company.
- Srivinas, H.(2004), Defining squatter settlements, <http://www.gdrc.org/uem/definesquatter.html>.
- UN-Habitat,2003
- United Nation,2004
- Van poll, R., (1997), The Perceived Quality of Urban Environment: a Multi-attribute
- Whyte, William. (1984). social life of small urban space, conservation foundation